

### آغاز دور دوم نمایش «خروس خون» از امروز

اجرای نمایش «خروس خون» به نویسندگی و کارگردانی میلاد اردوبادی و تهیه‌کنندگی سجاد افشاریان از امروز یکشنبه، در سالن شماره سه مجموعه تئاتر لیخند آغاز می‌شود.

این نمایش که روایتی از دغدغه‌های نسل جوان را به تصویر می‌کشد، پیش‌تر دور نخست اجراهای خود را از اول اسفندماه ۱۴۰۴ آغاز کرده بود که به دلیل شرایط خاص کشور متوقف شد.

در این اثر نمایشی پارسا صحرایی، نیما خطیب‌شاد، نیلوفر فتاحی، آهو شفیع، آیلی شرفی، یزدان نظریان، مهتاب اسدی و نگار طوافی به ایفای نقش می‌پردازند. در خلاصه داستان آمده است: جمعی هفت نفره از دوستان که قصد مهاجرت دارند، در میانه یک دورهمی با حضور موشی مواجه می‌شوند که...



ایرنا

### نمایش «دندون گیر» از امروز روی صحنه بوتیک هنر ایران

نمایش «دندون گیر» به کارگردانی وحید نغر از امروز ۱۷ خرداد ماه در سالن بوتیک هنر ایران اجرای عمومی خود را آغاز می‌کند. محسن رحمانی نویسنده این اثر نمایشی است. در خلاصه داستان «دندون گیر» آمده است: «زوجی که تمام دارایی خود را در بورس سرمایه‌گذاری کرده‌اند، متوجه می‌شوند سه فرزند در آستانه ورود به زندگی‌شان هستند و با افزایش مشکلات اقتصادی، ناچار به اتخاذ تصمیمی دشوار می‌شوند.»

پوستر نمایش «دندون گیر» را پوریا جیحانی طراحی کرده است و مرتضی صباچی، نیلوفر عباسی و غزاله حریرچی در این اثر به ایفای نقش می‌پردازند.

نمایش «دندون گیر» از ۱۷ تا ۲۹ خردادماه، در سالن شماره ۷ بوتیک هنر ایران روی صحنه می‌رود.



صباخبر

### گفت‌وگوی صبا با ملیحه آقایی، بازیگر نمایش «یحتمل، بهترین بازیگر نقش اول زن»

## چالش جان بخشی به یک نقش تاریخی

**ناصر اریاب | نمایش «یحتمل، بهترین بازیگر نقش اول زن» به نویسندگی و کارگردانی حسین امتی، از جمله آثار نمایشی است که در تالار مولوی روی صحنه رفته است. ملیحه آقایی، بازیگر نقش مادر شاه در این نمایش، در گفت‌وگو با صبا درباره تجربه حضور در این اثر، روند شکل‌گیری نقش و چالش‌های بازی در فضای تاریخی سخن گفت.**

او در ابتدای صحبت‌های خود با اشاره به اهمیت نقش عوامل پشت صحنه در موفقیت یک اثر نمایشی اظهار کرد: «به اعتقاد من، کیفیت کار یک بازیگر، چه روی صحنه و چه مقابل دوربین، ارتباط مستقیمی با عملکرد و همراهی عوامل پشت صحنه دارد. گروه نمایش «یحتمل» از این نظر یکی از منسجم‌ترین و حرفه‌ای‌ترین گروه‌هایی بود که با آن‌ها همکاری کرده‌ام. از گروه صحنه و لباس گرفته تا گریم و تیم کارگردانی، همه با دقت و تعهد بالا فعالیت می‌کردند.»

**آقایی افزود:** «در تمام مراحل، از تمرین تا اجرا و حضور در جشنواره، اعضای گروه با تمام توان در کنار پروژه بودند تا همه چیز به بهترین شکل پیش برود. کار در چنین فضایی برای هر بازیگری تجربه‌ای خوشایند است.»

این بازیگر درباره پیوستن به پروژه گفت: «با توجه به همکاری‌های قبلی با حسین امتی، زمانی که برای حضور در این نمایش دعوت شدم، با اطمینان بیشتری به گروه پیوستم. بخشی از تمرین‌ها انجام شده بود و بسیاری از



صباخبر

اعضای گروه را از قبل می‌شناختم. او ادامه داد: «پس از مطالعه متن، نخستین چیزی که مرا جذب کرد، قصه و فضای نمایش بود. هنگام خواندن متن بارها خندیدم. فضای اثر که به دوران قاجار و مناسبات دربار می‌پردازد، برایم جذاب و در عین حال چالش‌برانگیز بود؛ زیرا پیش‌تر تجربه حضور در چنین فضایی را نداشتم.»

آقایی درباره روند تمرین‌ها اظهار داشت: «من نسبت به سایر بازیگران زمان کمتری برای تمرین داشتم، اما تسلط حسین امتی بر متن و کارگردانی، مسیر رسیدن به نقش را برایم روشن‌تر می‌کرد. گفت‌وگوهای ما درباره شخصیت آفت بسیار کمک‌کننده بود و به درک مشترکی از کاراکتر رسیدیم.»

او افزود: «مهم‌ترین چالش من فاصله سنی با شخصیت بود. برای نزدیک شدن به نقش تلاش کردم نمونه‌هایی از این ویژگی‌ها را در اطراف خود و در آثار مختلف پیدا کنم و آن‌ها را به شخصیت اضافه کنم.»

این بازیگر در ادامه درباره نقش‌های تاریخی گفت: «بازی در نقش‌های مرتبط با تاریخ و سلطنت جذاب و در عین حال دشوار است. تلاش کردم با مطالعه و مشاهده، عناصر مختلف را جمع‌آوری کنم و نقش را با نگاه شخصی خودم اجرا کنم.»

آقایی همچنین مهم‌ترین دغدغه خود را ارتباط با مخاطب دانست و گفت: «برایم مهم بود که آفت صرفاً یک شخصیت تاریخی نباشد و مخاطب بتواند نمونه‌ای از او را در زندگی امروز نیز ببیند. این شباهت‌هاست که باعث باورپذیری شخصیت می‌شود.»

او در پایان با جمله‌ای از نمایش گفت: «امیدوارم هیچ انسانی هیچ‌گاه ناچار نشود برای رسیدن به خواسته‌هایش، دست به دامان زدالت شود.»

### عبدالله معارفی درگذشت

عبدالله معارفی، نوازنده برجسته سنتور و از چهره‌های شناخته‌شده موسیقی ایران، جمعه ۱۵ خرداد ماه در سن ۸۰ سالگی درگذشت.

عبدالله معارفی متولد ۱۳۲۵ در تهران، در خانواده‌ای کاملاً موسیقایی چشم به جهان گشود. پدرش ناصر معارفی و پدربزرگش عبدالله خان معارفی مشهور به شمس‌الملکی از نوازندگان چیره‌دست ویلن بودند. عموهای او نیز از نوازندگان مطرح رادیو و اعضای گروه «برادران معارفی» به‌شمار می‌رفتند.

او نواختن سنتور را از کودکی آغاز کرد و استعدادش باعث شد در ۷ سالگی نخستین برنامه رادیویی خود را اجرا کند. معارفی در هنرستان موسیقی ملی نزد استادان برجسته‌ای آموزش دید و علاوه بر سنتور، نواختن تنبک، تار، سه‌تار و ویلن را نیز فراگرفت و بعدها به تدریس آن‌ها پرداخت.

این هنرمند سال‌ها با ارکستر امیر جاهد همکاری داشت و با خوانندگان مطرحی به اجرا پرداخت. او پس از بازگشت به ایران، تا سال‌های پایانی عمر به تدریس موسیقی و پرورش شاگردان مشغول بود.



ایستا

### فصلنامه علمی «تئاتر» منتشر شد

شماره ۱۰۳ فصلنامه علمی «تئاتر» به همت دفتر پژوهش، آموزش و انتشارات نمایش با صاحب‌امتیازی انجمن هنرهای نمایشی ایران و به سردبیری مصطفی مختاباد منتشر شد.

در این شماره شش مقاله علمی در حوزه‌های مختلف تئاتر و مطالعات نمایشی منتشر شده است. از جمله این مقالات می‌توان به «بررسی تطبیقی تکنیک بازیگری ستفورد مایزتر و رویکرد تری شرایبر در خلق و توسعه شخصیت»، «تئاتر به‌مثابه فرم اجتماعی سرمایه: تحلیل جامعه‌شناختی اجراء در منطق بازار»، «بررسی تطبیقی نمایشنامه‌های تک‌پرده‌ای رفیع حالتی و خسیس مولیر از منظر شاخصه‌های کمدی» و «بازخوانی تاریخی-مفهومی هامارتیا در نسبت با استحقاق اخلاقی در فن شعر ارسطو» اشاره کرد. همچنین در این شماره، مقالاتی درباره بازتاب رابطه شعر و آیین قربانی در ادبیات نمایشی دهه‌های چهل و پنجاه و نیز بحران هویت هنرمند مهاجر در تئاتر مهاجرت منتشر شده است. در بخش مدیریتی نشریه نیز رامتین شهبازی به‌عنوان مدیر داخلی و مرجان سمندری معطوف به‌عنوان دبیر اجرایی همکاری دارند.



ایرنا

### انتشار داستان گمشده بعد از یک قرن

داستان کوتاهی از ادیت وارتن، نخستین زن برنده جایزه پولیتزر، که تاکنون منتشر نشده بود، روز جمعه برای نخستین بار در معرض دید عموم قرار گرفت. این داستان با عنوان «مردانی که جهان را نجات دادند» در آرشیو این نویسنده در دانشگاه ییل کشف شده است.

گمان می‌رود این اثر حوالی ژوئیه سال ۱۹۱۸ نوشته شده باشد و به عنوان کشفی مهم برای پژوهشگران و علاقه‌مندان آثار وارتن، نویسنده عصر موسوم به «طلایی» جامعه آمریکا و خالق رمان «عصر معصومیت»، شناخته می‌شود.

داستان در یک مهمانی شام در قلعه‌ای فرانسوی و در روزهای پایانی جنگ جهانی اول می‌گذرد و از طبقه ثروتمند می‌گوید که تلاش می‌کنند از تبعات جنگ عبور کنند، در حالی که هنوز صدای توپ‌ها در دور دست شنیده می‌شود.

در بخشی از روایت، به میز ناهارخوری بزرگی اشاره می‌شود که پیش‌تر و در دوران استفاده از قلعه به‌عنوان بیمارستان صحرایی، برای جراحی و قطع عضو استفاده شده بود.



ایستا